

به نام خدا

هویت اجتماعی پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

درس نامه رشته های: ریاضی فیزیک، علوم تجربی، فنی و حرفه ای، کار و دانش

تهیه و نگارش درسنامه : مسعود گودینی

دبیر جامعه شناسی ناحیه یک همدان

سال تحصیلی : ۴۰۰-۹۹

سخنی با:

دانش آموزان عزیز

سلام :

با آرزوی سعادت و سلامتی برای شما عزیزان و خانواده های محترمتان امیدوارم از این بحرانی که گریبان گیر زندگی اجتماعی ، بشریت در سراسر زمین شده است سلامت عبور کنیم و یکبار دیگر جامعه جهانی توفیقی حصول کند که بتواند برای همیشه در گستره کره زمین از بیم و بیداد کرونا خلاصی یابد. بطور حتم با یاد خدا و توکل بر او و با گذشت زمان، می توان بر هر دردی که طاقت فرسا به نظر می رسد غلبه کرد، همچنین از ایزد یکتا تمنای آن دارم که توفیقی به اینجانب ارزانی دارد تا بعنوان یک جزء کوچک از مجموعه بزرگ آموزش و پرورش بتوانم با ارائه این درس نامه مسیر تحصیل عزیزانم هموار کرده و در توفیق آنها سهمی داشته باشیم.

انشاءالله

درس نامه درس اول:

عنوان درس: کنش های «ما»

کنش های ما انسان ها چه ویژگی هایی دارد؟

تمامی مخلوقات در جهان کاری انجام می دهند و این بیت حکایت از این امر مهم دارد:

هر ذره ایی که هست، اگر غباری است

در پرده مملکت به کاری است

نکته: در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می دهد «کنش» و به انجام دهنده آن «کنشگر» می گویند.

نکته: کنش ویژگی هایی دارد که آن را از فعالیت سایر مخلوقات متمایز می کند.

این ویژگی ها عبارتند از:

۱- کنش، آگاهانه است، یعنی کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی شود.

۲- کنش، ارادی است. کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد کنش انجام نمی شود.

۳- کنش، هدفدار است. پرسش چرا چنین کاری کردی؟ را می توان از هر کنشگری پرسید: زیرا انسان فعالیت خود را با قصد و هدف خاصی انجام می دهد.

نکته: با توجه به این ویژگیها، کنش انسان - برخلاف سایر مخلوقات «معنادار است»

مثلا وقتی دانش آموزی در کلاس، دستش را بالا می آورد، این کار را «آگاهانه»، «ارادی» و «هدفدار» انجام می دهد و معنای آن اجازه خواستن از معلم است.

نکته: کنش ما آثار و پیامدهایی دارد که عبارتند از:

۱- برخی از پیامدهای کنش به اراده انسان ها، یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر، وابسته اند. به همین سبب به آنها «پیامدهای ارادی» می گویند.

۲- اما همه پیامدهای کنش ها این گونه نیستند، یعنی به اراده انسان بستگی ندارد، به این پیامدها «پیامدهای غیر ارادی» می گویند.

نکته: مهمترین تفاوتی که بین پیامدهای ارادی و غیرارادی وجود دارد این است که پیامدهای غیر ارادی کنش قطعی هستند؛ یعنی حتما انجام می شوند ولی پیامدهای ارادی کنش، احتمالی اند، یعنی ممکن است انجام شوند یا نشوند، اگر فرد آنها را اراده کند انجام می شوند، و اگر آنها را نخواهد و اراده نکند، انجام نمی گیرد.

عنوان درس: پدیده های اجتماعی

در ابتدا نکته مهمی که باید بدانیم، این است که کنش اجتماعی فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی گیرد، به عنوان مثال وقتی راننده ای پشت چراغ قرمز می ایستد، مقرراتی را رعایت می کند که مورد قبول دیگران است. به همین سبب کنش او اجتماعی است.

یا رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه شب به دور از چشم دیگران و حتی دوربین های مخفی نیز یک کنش اجتماعی است.

نکته: ۱- بانک ۲- مسجد ۳- پلیس ۴- مدرسه ۵- خانواده ۶- گروه دوستان ۷- نمادها ۸- هنجارها ۹- ارزش ها ۱۰- باورهای اجتماعی، نمونه هایی از پدیده های اجتماعی هستند.

نکته: به کنش های اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می گویند.

نکته: «کنش اجتماعی» خردترین (کوچکترین) پدیده اجتماعی است و سایر پدیده های اجتماعی آثار و پیامدهای آن هستند.

نکته: «هنجار اجتماعی» شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است، مثلا در هر جامعه ای احوالپرسی از دیگران شیوه های معینی دارد.

نکته: «ارزش های اجتماعی» آن دسته از پدیده های مطلوب و خواستنی هستند که مورد توجه و پذیرش اند و افراد یک جامعه به آنها گرایش و تمایل دارند.

نکته: اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی گیرد و هیچ یک از ارزش های اجتماعی، مانند «عدالت» «امنیت» «سعادت» و «آزادی» محقق نمی شوند.

نکته: پس نتیجه می‌گیریم که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های اجتماعی «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» را ضروری می‌سازند تا ارزش و هنجارها را از طریق «تعلیم و تربیت» و «تشویق و تنبیه» به افراد منتقل کنند. افراد نیز با عمل کردن براساس «ارزش‌ها» و «هنجارها» موجب تداوم و استمرار آنها می‌شوند.

نکته: در صورتی که سوال شود پدیده‌های اجتماعی چگونه بوجود می‌آیند؟ پاسخ این است که پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و چون افراد با «آگاهی» «اراده» و «هدف» عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنا دارند.

نکته: پدیده‌های اجتماعی از انسان‌ها مستقل می‌شوند، و سبب فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای کنش‌ها و زندگی انسان می‌شود.

نکته: این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که افراد احساس می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند لیکن تفاوت عمده‌ای که بین این دو پدیده وجود دارد از این قرار است که پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها خلق می‌کنند و نتیجه کنش‌های افراد هستند. ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.

عنوان درس: جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی ۱)

جامعه و فرهنگ جدا از یکدیگر نیستند، جامعه و فرهنگ را «جهان اجتماعی» می نامند. جامعه را می توان به منزله سخت افزار و فرهنگ را به منزله نرم افزار آن در نظر گرفت.

«جامعه»: به گروهی از انسان گفته می شود که برای سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می کنند.

«فرهنگ»: شیوه زندگی گروهی از انسانها است که با یکدیگر زندگی می کنند، و همه آنچه را که با زندگی آنها مربوط است را در بر می گیرد، مانند نوع: ۱-خوراکی ها ۲-پوشش ها ۳-گوش ها ۴-آداب و رسوم عروسی ۵-آداب و رسوم عزاداری ۶-آداب معاشرت ۷- شیوه های گذراندن اوقات فراغت ۸- شیوه های یاددهی و یادگیری (آموزش و پرورش) ۹- ارزش ها ۱۰- باورهای اخلاقی ۱۱- نوع نگرش به عالم و آدم و... از بهترین مصادیق فرهنگ به شمار می روند.

نکته: فرهنگ لایه ها و سطوح متفاوتی دارد، برخی از این لایه ها سطحی تر و بیرونی هستند، مانند «نمادها» و «هنجارها» و برخی دیگر در لایه های عمیق تر فرهنگ هستند مانند «ارزش ها» و «عقاید»

نکته: لایه های سطحی امکان تغییر بیشتری دارند، اما لایه های عمیق کمتر در معرض تغییر قرار می گیرند، و تاثیرات همه جانبه و فراگیر دارند به همین دلیل، تغییرات اساسی در لایه های عمیق فرهنگ را به فرهنگ دیگری تبدیل می کنند.

نکته: یک رابطه متقابل بین جامعه و فرهنگ وجود دارد:

به عبارتی جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد، فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی آید. جامعه و فرهنگ را می توان به جسم و جان انسان تشبیه کرد. که جامعه مانند جسم و کالبد و فرهنگ همانند جان و روح است.

نکته: پس جوامع مختلف، شیوه های متفاوتی برای زندگی دارند و دلیل تفاوت آنها این است که فرهنگ آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود به همین دلیل فرهنگ آگاهی و شناخت مشترک نیز نامیده شده است.

نکته: آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند «فرهنگ عمومی» نامیده می شود.

نکته: بخش هایی که مربوط به یک قوم، قشر، صنف، یا گروه است «خرده فرهنگ» نامیده می شود.

نکته: در مواردی ممکن است عقاید «ارزش ها» و «هنجارها» و مهارت های درون یک خرده فرهنگ ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی باشد، در این صورت این خرده فرهنگ را «ضد فرهنگ» می نامند.

نکته: برخی از خرده فرهنگ هایی که انحراف اجتماعی دارند، مانند «بزهکاران» «سارقان» را «ضد فرهنگ هستند و خرده فرهنگ های سازگار با فرهنگ عمومی را خرده فرهنگ موافق می گویند. مثل خرده فرهنگ های مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه

الزامات جامعه و فرهنگ:

نکته: یکی از جامعه شناسان (اگوست کنت) معتقد است که سهم مردگان در ساختن جامعه بیشتر از سهم زندگان است. یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جامعه بیشتر از ما بوده است.

نکته: چنانکه هر یک از ما صرفاً کنشگری منفعل و مجبور نیستیم بلکه می توانیم یا در جهت دوام، گسترش و پیشرفت این جهان اجتماعی حرکت کنیم، یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم.

نکته: پس اگر سوال شود که ماندگاری الزامات جامعه تابع چیست؟ بی شک خواهیم گفت تا زمانی که هر جامعه و فرهنگی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، الزامات آن نیز باقی است. نکته دیگر اینکه فرصت ها و محدودیت ها به یکدیگر وابسته اند و هیچ کدام بدون دیگری محقق نمی شوند، به عبارت دقیق تر فرصت ها و محدودیت ها دوروی یک سکه اند.

نکته: اگر سوال شود که منظور از جهان غرب چیست؟

پاسخ این است که فرهنگ دنیوی غرب را جهان متجدد یا جهان مدرن نیز می نامند و منظور از آن غرب پس از رنسانس یعنی غرب چهارصد سال اخیر می باشد.

درسنامه درس چهارم:

عنوان درس: ارزیابی فرهنگ ها

منظور از فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی چیست؟

به طور حتم مردمی که در یک جامعه زندگی می کنند، اهداف، آرمان ها، ارزش های مشترکی دارند، اهدافی مانند: ۱-رفع نیازهای اولیه ۲- آزادی ۳- عدالت ۴- امنیت ۵-آموزش و پرورش مطلوب ۶-سلامت و بهداشت مطلوب ۷-عزت و پیشرفت و... هرگاه مردم مطابق آرمان ها عمل کنند، آرمان ها به واقعیت تبدیل می شوند ولی آیا مردم هموار مطابق آرمانهای جامعه خود عمل می کنند؟

نکته: ارزش هایی که مردم یک جامعه از آن جانب داری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند، اما در عمل ممکن است آنرا نادیده بگیرند «فرهنگ آرمانی» نامیده می شود.

نکته: مسلما آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می کنند «فرهنگ واقعی» نام دارد و جهان اجتماعی را می سازد.

نکته: بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد «فرهنگ حق» و بخش هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد «فرهنگ باطل» است.

نکته: ۱-عقیده به توحید ۲- وفای به عهد ۳- عدالت ۴- تحمل دیگران ۵- مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده اند ۶- حمایت از مستضعفان و مظلومان ۷-دفاع از حقوق انسان ها ۸-مهربانی با یکدیگر از جمله عقاید و ارزش های حق اند.

نکته: ۱- شرک ۲- ظلم ۳- بی عدالتی ۴- تجاوز به حقوق دیگران ۵- دنیا پرستی ۶- نژاد پرستی ۷- پول پرستی از جمله عقاید و ارزش های باطل اند.

نکته: «عقل» و «وحی» دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش ها هستند و علمی که از این دو ابزار بهره می گیرند، می توانند درباره حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف داوری کنند.

نکته: ۱- توحید ۲- آزادی انسان ها از همه بندها و موانعی که بر سر راه سعادت آنها وجود دارد ۳- عدالت ۴- ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همه انسان ها همگی از عقاید و ارزش های حق اند و «درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی کند» بنابراین حقایق ثابت اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی تغییر پذیرند. یعنی برای جامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد.

همان گونه که امکان خروج از باطل و روی آوردن به حق نیز وجود دارد.

نتیجه: جوامع می توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند، اما حق و باطل بر مدار گزینش آنها تغییر نمی کند.

درس نامه درس پنجم:

عنوان درس: هویت

افراد در موقعیت های گوناگون با پرسش «کیستی؟» مواجه می شوند یا از خودشان می پرسند
براستی «من کیستم؟»

نکته: آنچه در پاسخ به پرسش کیستی گفته می شود و با آن هر شخص از افراد دیگر متمایز
می گردد «هویت» فرد را تشکیل می دهد.

آیا هویتمان را خودمان می سازیم؟ در پاسخ به این سوال مهم باید گفت الف: ما در شکل گیری
بعضی ویژگیهای هویتی مانند مکان یا زمان تولد یا دختر یا پسر بودن نقشی نداریم پس این
بخش از هویت ما «انتسابی» می باشد.

ب: بسیاری از ویژگی های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می دهیم، یا در
شکل گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم، پس این بخش از هویت ما «اکتسابی» است.

نکته: هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی است، هویت فردی نیز شامل دو بعد جسمانی و
نفسانی است بنابراین هویت انسان سه بعد دارد که عبارتند از:

۱- بعد جسمانی «بدن»

۲- بعد نفسانی «نفس و ویژگی های اخلاقی و روانی»

۳- بعد اجتماعی «نقش ها و عضویت فرد در جامعه»

نکته:

سه بعد هویت ما از یکدیگر جدا نیستند بلکه با هم تعامل یا ارتباط متقابل و دو سویه دارند و بر یکدیگر اثر می گذارند.

نکته:

هویت هر جامعه ایی براساس عقاید، آرمان ها و ارزش های آن جامعه شکل می گیرد و قواعد، هنجارها و نمادهای آن متناسب با عقاید، آرمان ها و ارزش ها سازمان می یابند. بنابراین هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و براساس عقاید و ارزش های آن شکل می گیرد.

به عنوان نمونه و مثال:

۱- در جامعه قبیله ای، هویت اجتماعی افراد اغلب براساس جایگاه آنها در قبیله مشخص می شود.

۲- مثال دیگر اینکه در جامعه سرمایه داری، هویت اجتماعی افراد بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است.

۳- مثال سوم اینکه: در جامعه دینی، هویت اجتماعی افراد براساس عقاید و ارزش هایی تعیین می شود که آن دین محترم می شمارد. مثلا اسلام هویت افراد را با «تقوا» «عدالت» «علم» ارزیابی می کند.

عنوان درس: باز تولید هویت اجتماعی (۱)

هر فرد در جامعه ایی متولد می شود که نسل های قبل او آن را ساخته اند. این جامعه پس از تولد فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می کند، یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می شناسد و برای او ویژگی هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می گیرد، در این زمینه می توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد.

نکته: هر جامعه ایی برای بقاء و تداوم، عقاید، ارزش ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می دهد. فرد نیز برای مشارکت در جامعه این عقاید و ارزش ها و هنجارها را می آموزد، شیوه زندگی در جامعه را فرا می گیرد و به تدریج با موقعیتش در جامعه و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد آشنا می شود، این رویکرد رابطه و نیاز متقابل فرد و به جامعه به فرد را نشان می دهد.

نکته: فرد با آموزش های اساسی و ماندگاری که در خانواده می بیند، به عنوان اولین پایگاه جامعه پذیری اولین و مهمترین آشنایی را با جامعه ایی که در آن متولد شده است پیدا می کند و در ادامه و تکمیل: ۱-مدرسه ۲-مسجد ۳-مجالس علمی ۴-گروه های همسالان ۵-رسانه های جمعی از دیگر عوامل آشنایی فرد با جامعه ایی هستند که در آن زندگی می کند.

فرایند جامعه پذیری همواره با موفقیت همراه نیست و ممکن است برخی افراد به طور کامل جامعه پذیر نشوند، یعنی افرادی هستند که از پذیرش عقاید و ارزش ها و هنجارهایی که اجتماعی سرباز می زنند، به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند ، نقشی را که جامعه از آنها انتظار دارد، نمی پذیرند و رفتارهای مخالف انجام می دهند.

مثال‌ها:

الف: مثلاً افرادی هستند که قبل از آنکه مهارت‌های نقش همسری را بیاموزند و یاد بگیرند، اقدام به ازدواج و پذیرش نقش همسری کرده در نتیجه چون با حقوق و تکالیف این نقش آشنایی کامل ندارند، در زندگی مشترک با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند.

ب: مثلاً افرادی هستند که قبل از آنکه مهارت‌های لازم برای نقش والدینی را بیاموزند، اقدام به فرزندآوری کرده اما چون مهارت‌های لازم برای ایفای تکالیف نقش پدر یا مادری را ندارند، با فرزندان خود دچار مشکل شده و در این نقش ناکام می‌مانند.

جامعه‌پذیری: به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌دادن به هویت اجتماعی افراد طی می‌شود «جامعه‌پذیری» می‌گویند.

کجروی اجتماعی: به کنش‌هایی که برخلاف ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند «کجروی اجتماعی» می‌گویند.

نکته: هر جامعه‌ای علاوه بر «جامعه‌پذیری» برای پیشگیری از کجروی اجتماعی و کنترل آنها روش‌هایی مانند «الف تبلیغ و اقناع» ب: تشویق و پاداش ج: تنبیه و مجازات را به کار می‌گیرند.

کنترل اجتماعی: به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد «کنترل اجتماعی» می‌گویند.

نکته: امر به معروف و نهی از منکر از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی است.

هویت اجتماعی چگونه تغییر می کند؟

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی (خودشان در آن نقش ندارند) در محیط خانواده و در میان همسالان و گروه دوستان و... می پذیرند و به تدریج با فعالیت هایشان هویت اکتسابی خود را بدست می آورند و متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می شوند، و امکان این تغییر موقعیت را برای خود محرز می سازند.

نکته: به جابجایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر «تحرک اجتماعی» می گویند.

تحرک اجتماعی انواعی دارد که عبارتند از:

۱- صعودی: کارمند یک اداره وقتی مدیر بخشی از آن اداره می شود یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است.

۲- نزولی: مدیر اداره وقتی از مدیریت عزل می شود و به صورت یک کارمند عادی به کار خود ادامه می دهد، تحرک اجتماعی نزولی پیدا کرده است.

۳- افقی: اگر شخصی شغل خود را تغییر دهد اما شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی پیدا کرده مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می شود.

نکته: فرصت های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت جدید در جوامع مختلف یکسان نیست.

هر جامعه ایی به تناسب عقاید و ارزش های خود برخی تحرک های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می کند، برخی تحرک های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می کند، برخی هویت ها را می پذیرد و برخی دیگر را نمی پذیرد.

مثلا: جامعه ای که براساس ارزش های نژادی شکل می گیرد، صرفا برای یک نژاد خاص امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می آورد.

یا مثلا: جامعه ایی که به ارزش های اقتصادی اهمیت و اولویت می دهد تحرک اجتماعی صعودی را فقط برای کسانی که ثروت دارند ممکن می سازد.

عنوان درس تحولات هویتی جامعه:

هویت اجتماعی افراد محصول عضویت گروهی آنهاست، برای مثال شهری، روستایی و عشایری بودن ما نتیجه عضویت ما در یک شهر، روستا، یا عشیره ایل است.

نکته: هویت فرهنگی هر جامعه براساس عقاید و ارزش های اجتماعی آن شکل می گیرد، یعنی هرگاه اعضای یک جامعه، عقاید و ارزش هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی آن جامعه پدید می آید.

نکته: پس اگر سوال شود که دوام و بقاء هویت فرهنگی یک جامعه تابع چیست؟ در پاسخ خواهیم گفت هویت فرهنگی جامعه تا زمانی دوام می آورد که عقاید و ارزش های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جامعه و برای آن مهم باشد. و هرگاه عقاید و ارزش ها اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدهند، تداوم فرهنگی آن جامعه با چالش مواجه می شود.

نکته مهم این است که:

تحولات فرهنگی می توانند مثبت یا منفی باشند، اگر فرهنگی که دچار تحول می شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد تحول فرهنگی مثبت است.

اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است پس تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی تحول فرهنگی منفی است.

نکته: علل تحولات فرهنگی به دو دسته ۱- درونی ۲- بیرونی تقسیم می شود.

۱- علل درونی، با به ابداعات و نوآوری های مثبت و منفی افراد جامعه مربوط می شود، یا به کاستی ها و بن بست های موجود در فرهنگ جامعه باز می گردد.

مثلا جامعه ای که توان پاسخگویی به نیازهای طبیعی و جسمی یا فطری و معنوی انسان ها را نداشته باشد، آن جامعه نشاط زندگی را از دست می دهد و گرفتار یاس و ناامیدی می شود.

۲- علت بیرونی تحولات فرهنگی، رو به رو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است، این ارتباط می تواند شکل های مختلفی داشته باشد، گاهی روابط در محدوده «نمادها» «هنجارها» و «سبک های زندگی» است و گاهی در سطح «عقاید» و «ارزش های» اجتماعی است.

مثلا به دلیل اهمیت عقل و عقلانیت در اسلام، جوامع اسلامی در مواجهه با امپراطوری های یونان و روم، عناصر عقلی فرهنگ آنها را اخذ کردند.

نکته: اگر جامعه ایی در تعامل با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش های خود پشت کند، دچار تحول فرهنگی می شود.

اگر در این مسیر تحول فرهنگی، عقاید و ارزش های جامعه دیگر را بپذیرد، به آن جامعه ملحق می شود، مانند مصر باستان و ایران باستان که در ارتباط با جوامع اسلام عقاید و ارزش های اسلامی را قبول کردند و به جوامع اسلامی ملحق شدند.

نکته: در تعامل و داد و ستد فرهنگی، اعضای جوامع باید به طور فعال و خلاق و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر روبرو شود. اما اگر اعضای آن مبهور و مقهور فرهنگ دیگر شوند و در نتیجه حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی آن جامعه از دست بدهند، جامعه آنها دچار «خودباختگی فرهنگی» می شود و در این صورت عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می پذیرد.

نکته:

بسیاری از جوامع غریزی در رویارویی با جهان غرب، مبهوت و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی غرب شدند و به همین سبب دچار خود باختگی فرهنگی گشتند، خودباختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب را «غرب زدگی» می نامند.

نکته: در زبان فارسی «بیگانه» در مقابل «خودی» به کار می رود.

پس از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد که عبارتند از:

۱- اگر جامعه ای فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار «از خودبیگانگی تاریخی» شده است، جامعه خود باخته ایی که در مواجهه با جامعه دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می برد به این معنا از خودبیگانگی گرفتار شده است.

۲- اگر عقاید و ارزش های یک جامعه مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان بشود آن جامعه دچار «از خود بیگانگی حقیقی (فطری)» شده است.

در جوامعی که چنین فرهنگی دارند و انسان ها از حقیقت خود و هستی دور می مانند.

از نظر قرآن کریم:

انسان هنگامی می تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که به انسان و جهان نگاهی توحیدی داشته باشد، زیرا فراموش کردن خداوند سبب میشود که انسان خود را نیز فراموش کند.

عنوان درس: بعد فرهنگی هویت ایران

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد، پیش از اسلام اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت های قومی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش های زرتشتی مشترک بودند و بر این اساس هویت فرهنگی واحدی پیدا کرده بودند.

نکته: فارسی دری از دیرباز به عنوان زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود. این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و مرزهای امپراتورهای «گورکانی» و «عثمانی» را در نوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام از هندوستان و تبت تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان گسترش یافت.

«فردوسی» «مولوی» «سعدی» و «حافظ» و دیگر حکیمان ایرانی خدمات بی نظیری در ادبیات پارسی انجام دادند.

دیدگاه مستشرقان:

در این دیدگاه هویت فرهنگ جوامع اسلامی، توحیدی یا اساطیری نیست، بلکه دنیوی است. این هویت در قالب عناوین قوم گرایانه «ناسیونالیستی» به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می شود و امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف، نظیر «ترک» «کرد» «لر» و فارس تقسیم می کند.

نکته: متفکران ایرانی از دهه سی شمسی کتاب های متعددی در نقد رویکرد فرهنگ غرب تدوین کرده اند که مهمترین آنها عبارتند از: ۱- غرب زدگی جلال آل احمد ۲- بازگشت به خویشتن معلم شهید دکتر علی شریعتی ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران علامه شهید مرتضی مطهری

نکته: امروز، رسانه ها و فضای مجازی الف: از یک سو با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع، تعامل فرهنگی را از سطح محققان و مولدان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف کنندگان فرهنگی منتقل کرده است.

ب: از سوی دیگر تعامل فرهنگی را از سطح نمادها و هنجارها به عمق عقاید و ارزش ها می کشانند.

درسنامه درس نهم:

عنوان درس: بعد سیاسی هویت ایران

پیش از هر مطلبی باید بدانید که اصولاً هویت سیاسی هر کشوری مثلاً کشور ایران با یک سری ویژگی ها و مختصات از قبیل ۱- پرچم ۲- مرزهای سیاسی ۳- احزاب و گروه های سیاسی ۴- قوه مقننه ۵- قوه قضائیه ۶- قوه مجریه ۷- مجلس خبرگان ۸- رهبری ۹- شیوه های حکم رانی و... قابل تشخیص است.

قدرت و انواع آن:

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می دهد کنشگری قدرتمند است، هر چند قدرت فردی انسان محدود است.

نکته: تنها راه تاثیر گذاران بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جلب تبعیت آنهاست.

نکته: جلب تبعیت به دو صورت ممکن است که عبارتند از:

۱- تبعیت با کراهت، تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد.

۲- تبعیت با رضایت، تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

نکته:

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید دارای مقبولیت است و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد «اقتدار» نامیده می شود. نکته: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی.

هنگامی که قدرت بر خلاف حکم و قانون الهی باشد، اما تبعیت از آن از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیر مشروع شکل می گیرد.

شکل گیری نظام سیاسی:

هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می آید، زیرا سیاست اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است.

تقسیم بندی نظام های سیاسی براساس تعداد افراد تاثیر گذار و تصمیم گیرنده به شرح ذیل است.

۱- نظام هایی که در آنها یک فرد حاکم است و تصمیم می گیرد، مانند نظام پادشاهی در عربستان سعودی و...

۲- نظام هایی که در آنها اقلیتی تصمیم گیرنده است مانند حزب بعث به رهبری صدام در گذشته عراق و...

۳- نظام هایی که در آنها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تاثیر گذارند، مانند اکثر نظام های سیاسی در سراسر جهان با عناوین مختلفی مانند «جمهوری» یا جمهوری اسلامی

تقسیم بندی نظام های سیاسی براساس روش تصمیم گیری، دو نوع هستند:

۱- نظام هایی که در آنها حاکم یا حاکمان براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می گیرند.

۲- نظام هایی که حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می گیرند.

تقسیم بندی نظام های سیاسی براساس الف: دین مداری ب: دنیا مداری

الف) دین مداری: نظام های سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می یابد.

ب: دنیا مداری: نظام های سیاسی که فقط ارزش ها و آرمان های دنیوی و این جهانی را مدنظر قرار می دهد.

نکته:

دسته بندی ارسطو از انواع حکومت ها:

در این دسته بندی ارسطو از شش نوع نظام سیاسی نام می برد که عبارتند از:

۱- روش حاکمیت فردی ۲- روش حاکمیت موناشرشی : هر دو استبدادی اند

۳- روش حاکمیت اقلیت ۴- روش حاکمیت آریستوکراسی که هر دو از نوع الیگارشی هستند.

۵- روش حاکمیت به صورت جمهوری ۶- روش حاکمیت به صورت اکثریت / که هر دو از نوع دموکراسی به شمار می روند.

مهمترین تفاوت های لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی عبارتند از:

۱- لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همه امور برای انسانها است در حالیکه دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است.

۲- لیبرال دموکراسی ادعا می کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می یابد. در حالیکه جمهوری اسلامی با مردم سالاری دینی همراه است.

عنوان درس: ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران

در بعد جمعیتی جوامع به ویژگی‌هایی مانند ۱- تعداد جمعیت ۲- جوان و پیر بودن جمعیت ۳- ترکیب و تعداد جمعیت شهری و روستایی ۴- تعداد شاغلین و بیکاران جمعیت توجه می‌شود. نکته: افزایش جمعیت ضروری است به شرط اینکه هم کمیت جمعیت (تعداد لازم و کافی) و هم کیفیت جمعیت (حامل و عامل فرهنگ) در بافت جمعیتی وجود داشته باشند.

نکته: وقتی که یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می‌شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه‌حلی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود.

نکته: در معرفی هویت اقتصادی به ویژگی‌هایی مانند ۱- اقتصاد دانش بنیان ۲- تک محصولی مانند اقتصاد نفتی ۳- اقتصاد مقاومتی ۴- اقتصاد شکننده ۵- اقتصاد دستوری ۶- اقتصاد غیر دستوری ۷- اقتصاد سرمایه داری ۸- اقتصاد سوسیالیستی ۹- اقتصاد اسلامی تاکید و اشاره می‌شود.

نکته: برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب که از سویی اقتصاد را اساس همه چیز می‌پندارند، و از سوی دیگر تمامی شیوه‌های اقتصادی - غیر اقتصادی را نابود شده می‌بینند، پاشنه آشیل ایران را اقتصاد می‌دانند از این رو جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.

در چنین موقعیتی، اقتصاد مقاومتی الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با اعتقاد به تعالیم حیات بخش اسلام و تکیه بر دانش و فناوری و ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی و حضور فعال و موثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران امنیت، رفاه و پیشرفت همراه با عدالت و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی - اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

در پایان ضمن آرزوی سلامتی و توفیق یکایک عزیزانم ، در مقام آموزگاری کوچک توصیه اکید دارم که موفقیت و عبور شما سرمایه های آتی و آینده سازان این مرز و بوم در آزمون نهایی کتاب هویت اجتماعی ۳ مستلزم درک و یادگیری، بعلاوه بهره درست بردن از این مجموعه می باشد و متعهد هستم در صورتی که با تفکر دقیق و عمیق و مستمر مطالعه اش کنید، تضمینی خواهد بود برای عبور توأم با موفقیت شما در سطح بالا. انشاءالله

طلب عاجزانه دعایتان دارم.

اطلاعیہ

انتشارات اندیشہ قہرمان

در نظر دارد برای تکمیل گروه مولفین خود از

اساتید توانا

در رشته های مختلف جذب کند

علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر با

شماره زیر تماس حاصل نمایند.

۰۹۱۲۰۷۲۶۴۴۰

(واتساپ – تلگرام)

انديونه نهمان

شماره آزمون:	گروه آزمایشي:	نام خانوادگي و نام:
شماره سبدي:	حوزه امتحاني:	تاريخ آزمون:
	نام پدر:	نماینده گي:

پاسخ سوالات باید با مداد مشکی نرم و برتگ (HB) در بیضی مربوطه مطابق نمونه صحیح علامت گذاری شود.

1	01	101	201	301
2	02	102	202	302
3	03	103	203	303
4	04	104	204	304
5	05	105	205	305
6	06	106	206	306
7	07	107	207	307
8	08	108	208	308
9	09	109	209	309
10	10	110	210	310
11	11	111	211	311
12	12	112	212	312
13	13	113	213	313
14	14	114	214	314
15	15	115	215	315
16	16	116	216	316
17	17	117	217	317
18	18	118	218	318
19	19	119	219	319
20	20	120	220	320
21	21	121	221	321
22	22	122	222	322
23	23	123	223	323
24	24	124	224	324
25	25	125	225	325
26	26	126	226	326
27	27	127	227	327
28	28	128	228	328
29	29	129	229	329
30	30	130	230	330
31	31	131	231	331
32	32	132	232	332
33	33	133	233	333
34	34	134	234	334
35	35	135	235	335
36	36	136	236	336
37	37	137	237	337
38	38	138	238	338
39	39	139	239	339
40	40	140	240	340
41	41	141	241	341
42	42	142	242	342
43	43	143	243	343
44	44	144	244	344
45	45	145	245	345
46	46	146	246	346
47	47	147	247	347
48	48	148	248	348
49	49	149	249	349
50	50	150	250	350
51	51	151	251	351
52	52	152	252	352
53	53	153	253	353
54	54	154	254	354

فروش ویژه پاسخ برگ کنکور سراسری
 ۰۹۱۲۰۷۲۶۴۴ (وات ساپ - تلگرام)